

چطور می‌شود که در قرآن تحریفی رخ نداده باشد در حالی که با عوض کردن مصوت‌ها در زبان عربی معنای جمله عوض می‌شود؟

پرسش

چطور می‌شود که در قرآن تحریفی رخ نداده باشد در حالی که با عوض کردن مصوت‌ها در زبان عربی معنای جمله عوض می‌شود؟

پاسخ اجمالی

معانی گوناگونی برای تحریف گفته شده است. علمای اسلام بر عدم وقوع تحریف به نقیصه و زیاده آن در قرآن اتفاق نظر دارند. به این معنا که نه چیزی از قرآن کاسته شده و نه چیزی از خارج به آن اضافه شده که در قرآن اصلی نبوده است. اما نسبت به کاسته یا افزوده شدن حرکات و مصوت‌ها، باید گفت که هیچ گونه تحریفی در حروف و مصوت‌های قرآن واقع نشده است؛ زیرا قرائت متداول امروزی همان قرائتی است که از صدر اسلام مرسوم بوده و قرائت‌های دیگر نوعی اجتهاد بوده که هیچ گاه متداول نشده است. به هر حال حتی اگر این حرف را نپذیریم این مسلم است که قرآن اصلی یکی از همین قرائت‌های موجود است و هیچ ضرری به جاودانگی قرآن نمی‌زند.

پاسخ تفصیلی

تحریف معانی مختلفی دارد برای روشن شدن پاسخ ابتدا به بیان هر یک از این معانی و نظرات مسلمانان پیرامون آنها می‌پردازیم:

1- تحریف معنوی: تحریف معنوی آن است که آیه‌ای را آن چنان معنی و تفسیر کنند که خلاف مفهوم واقعی آن باشد [1]. بنا بر این مفهوم تمام تفسیر به رأی‌ها و تأویلات نادرست و غلط که تا کنون بوده و خواهد بود نوعی تحریف معنوی قرآن است [2].

2- تحریف به کم یا زیاد شدن در حروف و حرکات همراه با حفظ قرآن و ضایع نشدن آن؛ به این نحو که در خارج معلوم نباشد قرآن اصلی کدام است. مانند آنچه در قرائت‌های گوناگون وجود دارد. قطعاً یکی از این قرائت‌ها صحیح است و بقیه یا به قرآن چیزی را افزوده یا از آن کاسته‌اند [3].

برخی از علمای شیعه بر این عقیده‌اند که قرائت حفص از عاصم که امروزه متداول است، همان قرائت قرآن اصلی است که نسل به نسل و سینه به سینه نقل شده است و قرآن مرسوم و متواتر بین مردم همین قرآن است و بقیه قرائت‌ها نوعی اجتهادند [4]. و اینکه این قرآن به حفص نسبت داده شده است نیز به این معنا نیست که حفص این طور خوانده و مردم از او تبعیت کرده‌اند؛ بلکه به این معناست که حفص از قرائت مرسوم در بین مردم تبعیت کرده است [5].

هم چنین روایاتی از ائمه نقل شده است که قرآن «علی حرف واحد من عند الواحد» نازل شده است و این روایات اشتباه بودن دیگر قرائت‌ها و درست بودن یکی از آنها را اثبات می‌کند [6].

اگر این روایات را با روایاتی که در آنها به مردم دستور داده شده است قرآن را همان گونه که مردم می‌خوانند بخوانید، [7] ضمیمه کنیم، چنین می‌فهمیم که قرآن اصلی همان است که نزد مردم متواتر و مرسوم بوده است. بنا بر این هیچ گونه تحریفی در حروف و مصوت های قرآن واقع نشده است.

3- تحریف به معنای کم یا زیاد شدن کلمه یا کلماتی همراه با حفظ اصل قرآن.

گفته شده است که چنین تحریفی در قرآن، در صدر اسلام واقع شده بود و گزارش‌های تاریخی بیانگر آن است، اما با توحید مصاحف عثمان این مشکل برطرف گردید. عثمان پس از جمع‌آوری قرآن به والیان خود دستور داد مصحف‌هایی را که مخالف مصحف جمع شده توسط او هستند، بسوزانند. (البته مصحف عثمان بنا به عقیده شیعه همان قرآن مرسوم در زمان پیامبر بوده است). بنابراین تحریف به این معنا از زمان عثمان به بعد عملاً منقطع شد؛ اما پیش از آن وجود داشته است [8].

4- تحریف به معنای کم یا زیاد شدن آیه، آیات یا سوره ای همراه با حفظ قرآن اصلی و اتفاق نظر نسبت به قرائت پیامبر(ص). مانند آنچه در بین اهل سنت وجود دارد که برخی از آنها بسم الله الرحمن الرحیم ابتدای سوره‌ها را جزو وحی می‌دانند؛ در حالی که برخی دیگر از آنها آن را جزو وحی نمی‌دانند. البته همه مسلمانان بر این اتفاق نظر دارند که پیامبر قبل از هر کدام از سوره‌ها به جز سوره توبه بسم الله را می‌خوانده است [9].

5- تحریف به نقیصه و زیاده: یعنی اینکه قرآنی که امروزه در دست ماست مشتمل بر همه قرآن نباشد و یا چیزی از خارج به آن اضافه شده باشد. وقوع چنین تحریفی در قرآن از سوی شیعه مورد انکار قرار گرفته و ادله فراوانی نیز برای آن اقامه شده که در جای خود آمده است [10].

بنا بر این در زمینه مصوت‌ها و حرکات قرآن گرچه به جز قرائت مرسوم، قرائت‌های دیگری نیز در لابلای کتابها وجود دارد اما آنها نوعی اجتهاد است و متواتر نیست. و البته در بین عالمان علوم قرآن برای تشخیص درست یا اشتباه بودن آنها ملاک‌هایی نیز نقل شده است [11]. اما در صورت قبول چنین تحریفی در قرآن، باید گفت که تحریف به این معنا هیچ ضرری به جاودانگی قرآن نمی‌زند؛ زیرا قرائت اصلی نیز موجود است. آنچه مضر به جاودانگی قرآن است تحریف به معنای زیاد شدن حروف یا کلمات یا آیاتی از خارج قرآن به آن می‌باشد که به عقیده همه دانشمندان مسلمان در قرآن واقع نشده است.

نمایه مرتببط:

1. عدم اعراب و تحریف قرآن، سؤال ۱۱۱۴ (سایت: ۱۱۵۸).
2. تحریف ناپذیری قرآن، سؤال ۴۵۳ (سایت: ۴۸۶).
3. جمع قرآن، سؤال ۷۱ (سایت: ۳۱۴).

-
- [1] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۹، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
 - [2] به نقل از البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، ص ۱۹۷ - ۱۹۹، نشر امید. کل این تقسیم بندی از کتاب آقای خویی نقل شده است.
 - [3] همان.
 - [4] معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، ص ۳۹۹ - ۴۰۰، مؤسسة النشر الاسلامی.
 - [5] همان، ص ۳۷۵.
 - [6] همان، ص ۳۷۸.
 - [7] همان، ص ۳۷۹.
 - [8] خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۹۷ - ۱۹۹، نشر امید.
 - [9] همان.
 - [10] ر. ک. به: البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، ص ۲۰۰ - ۲۵۹؛ صیانة القرآن من التحریف، محمد هادی معرفت، مؤسسة النشر الاسلامی. همچنین ادله شیعه بر نفی این تحریف در پاسخ سؤال شماره ۴۵۳ (سایت: ۴۸۶) مطرح شده است.
 - [11] ر. ک. به: تلخیص التمهید، محمد هادی معرفت، ص ۳۹۹ - ۴۰۰.